مرور

گفت‌وگو با رضا شاهرودی درباره جام جهانی

ان‌شاءالله می‌ریم بالا...

علی استیلی

رضا شاهرودی شاید اگر در جام‌جهانی ۹۸ بازی می‌کرد، یک گام از «رضا مالدینی» هم جلوتر می‌رفت.

دو سال تمام فیکس تیم بود. از همان روزهای اول رقیبی نداشت. در آن جوانی در پرسپولیس محمدحسن انصاری‌فرد را که هنوز از نفس نیفتاده بود، نیمکت‌نشین کرد، بعد هم در تیم ملی و در همین پرسپولیس با فاصله زیاد از مهرداد میناوند ایستاد و غیرقابل دسترس به‌نظر می‌رسید. دوبار اما حسابی بد آورد. یکی پیش از جام ملت‌های آسیا در امارات که با محمد مایلی‌کهن حرفش شد و یکی هم قبل از جام‌جهانی فرانسه که مصدوم شد و دوباره جایش را به میناوند داد. جام ۹۸ هم که تمام شد دیگر کسی به یاد شاهرودی نبود، خارجی‌ها آمدند دنبال میناوند و جای رضا مالدینی، مهرداد میناوند راهی اروپا شد. شاید سال‌ها بعد، مثلاً بیست سال بعد اگر جایی، روزنامه‌ای بخواهد پرونده‌ای از تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیای ۹۶ و جام‌جهانی ۹۸ کار کند، کمتر اسم رضا شاهرودی توجه‌اش را جلب کند. زنگ که به او زدیم، اول صحبت گفتیم آقارضا، همین الان حرف شوت شما به کویت در تهران در بازی‌های مقدماتی جام‌جهانی بود که خورد به تیر. حیف شد واقعاً که گل نشد. شاهرودی هم می‌گفت: «نوکرم آقا... نوکرم!»

■تیم ملی ما الان مشکل دفاع چپ دارد، فکر می‌کنی بهترین نفری که می‌شود برای این پست گذاشت، چه کسی است؟

غیر از علیرضا نیکبخت، بازیکنی ندیده‌ام که به درد تیم ملی بخورد. در این بخش از زمین فقر بازیکن داریم و کسی نیست که الان در سطح ملی باشد. فقط نیکبخت واحدی استعداد بازی به‌عنوان دفاع چپ تیم ملی را در جام جهانی دارد. فقط دعا کنیم تا آن موقع روبه‌راه شود و بتواند بازی کند.

■پیش‌بینی خودت از نتایج تیم ملی در آلمان چیست؟

از گروهمان صعود می‌کنیم. اگر از من می‌پرسید که فکر می‌کنم از گروه خودمان بالا بیاییم. فقط نباید تیمی را دست‌کم بگیریم! حتی نباید آنگولا را تیم کوچکی ببینیم. ان‌شاءالله می‌ریم بالا.

■با یک مقایسه کلی تیم ملی ۹۸ بهتر بود یا تیم الان؟

تیم آن موقع رویایی بود. نود درصد نفراتش خیلی خوب بودند و بازیکنان بزرگی محسوب می‌شدند. از نظر فنی و تکنیکی خیلی فرق داشتند، ولی حالا فقط شصت درصدشان خوب هستند و در سطح ملی بازیکن بزرگ به‌نظر می‌رسند.

■خودت در آن جام‌جهانی هم همراه تیم بودی، ولی نشد بازی کنی. چند روز مانده به جام مصدوم شدی؟

دو روز مانده به بازی با یوگسلاوی، آسیب دیدم. خیلی بد شد.

■ گفته بودی اگر این‌طور نمی‌شد بعد از جام‌جهانی حتماً می‌توانستی در اروپا بازی کنی...

دقیقاً همین‌طوره. راستش کارم با هامبورگ تمام شده بود و اگر مصدوم نمی‌شدم و در فرانسه یکی دو مسابقه بازی می‌کردم، حتماً می‌رفتم آنجا. حتماً قسمت این بوده.

■ جای شما میناوند بازی می‌کرد، بازی‌اش چطور بود آنجا؟

میناوند خوب بود. بهتر از این نمی‌توانست بازی کند. خوب بود کلاً، اما خب رضا شاهرودی نمی‌شد. طبیعی هم بود. تا قبل از جام جهانی اکثر بازی‌ها من ثابت بودم و مهرداد روی نیمکت می‌نشست و به همین دلیل هم نمی‌شد مهرداد در فرانسه بهتر از این بازی کند.

■ بعضی‌ها می‌گفتند از قصد و غرض مصدومت کرده بودند...

نه بابا. این حرف‌ها نبود. بلند شدم سر بزنم، موقع پایین آمدن پایم پیچ خورد و این‌طور شد.

■ مگر حمید استیلی نزد تو را؟

نه، حمید فقط بعد از افتادن من، منو ندید و افتاد روی من. همین. مشکلی پیش نیامد. اتفاقی بود همه چیز.

■ به نظرت در فرانسه خوب نتیجه گرفتیم؟

خوب بودیم دیگر. از نظر سیاسی موفق بودیم. بازی آمریکا را بردیم که خیلی مهم بود. ما جلوی آمریکا نیمه اول خیلی خوب بازی کردیم و نیمه دوم هم خیلی حرفه‌ای بودیم و بردیم.

■ درست است که می‌گویند ترس بیش از حد جلال طالبی باعث بد بازی کردن مفرط ایران جلوی آلمان شد؟

نه، بنده خدا چه ترسی. فقط قبل از بازی آمد به همه گفت بچه‌ها اصلاً خودتان را ناراحت نکنید! آلمانی‌ها آمده‌اند شما را ببرند که می‌برند. همه ما خنده‌مان گرفته بود و گفتیم آقاجلال شما با مایی یا با آنها.

■ ایویچ بود بهتر بود یا جلال طالبی آمد بهتر شد؟

ایویچ خیلی بهتر بود. همه چیز کار خودش بود. اگر از رم این‌قدر گل خوردیم، به خاطر حرفه‌ای بودن آنها بود و این که ما در حال بدنسازی بودیم.

■ قبل از جام هم دعوا و مرافعه‌ای با علی دایی پیدا کرده بودی...

تمام شده رفته. فکر نکنید به این چیزها. یک سوءتفاهم ساده بود که مشکلی هم به وجود نیاورد.

■ ایویچ خصوصی با خودت صحبت نکرده بود که الان قابل ذکر باشد؟

همیشه به من می‌گفت رضا تو جزء نفرات اصلی من هستی. تاکتیک تیم ما روی تو از چپ و روی جواد زرینچه از راست متمرکز شده، ولی حیف که نه او ماند تا جام جهانی و نه من.

یاوری: خداحافظ اهواز

محمودیاوری با درصد بالا آخرین روزهای حضور در اهواز را می‌گذراند.

یک فصل نسبتاً متوسط که علاوه بر حاشیه‌های همیشگی تماشاگران دوآتشه استقلال اهواز، به مذاق مدیران کم‌حوصله باشگاه هم خوش نیامده. آنها طبق رویه چندساله اخیر باز هم اول فصل با یک مربی جدید کار را شروع می‌کنند که البته این مربی محمود یاوری نیست. «لیگ که تمام شود از اهواز می‌روم. قرارداد من تا پایان این بازی‌ها است.» قراردادی که یاوری بعد از جدایی از تیم امید با استقلال اهواز امضا کرد، دقیقاً شامل یک نیم‌فصل است که با چهار برد، پنج مساوی و پنج باخت فعلاً آمار متوسطی به نظر می‌رسد. خود یاوری می‌گوید: «اگر یک برد دیگر بیاوریم دقیقاً همان حرف من می‌شود. من گفته بودم ۵ برد، ۵ مساوی و ۵ باخت می‌گیریم.»

استقلال اهواز قبل از آمدن یاوری، تیم پانزدهم جدول بود که با این اوصاف رسیدن به پله دوازدهمی قابل قبول است. «از اینکه تیم مانده راضی هستم. فکر می‌کنم مدیران تیم هم راضی باشند. شما نگاه کنید ما این فصل یک مشکل بزرگ داشتیم. یعنی بازی کردن در زمین شوشتر. استقلال اهواز این جوری خیلی ضرر کرد.» یاوری این نکته را هم از قول شفیع‌زاده اضافه می‌کند که اگر یاوری در تیم نبود، استقلال حتماً سقوط می‌کرد. اما مقصد بعدی یاوری کجاست؟

«من در اهواز هم کار فرهنگی کردم، هم کار اجتماعی و هم تیم‌داری، اما دیگر تمایلی به ماندن ندارم. کار کردن در اهواز خیلی سخت است. فعلاً مشخص نیست که کجا می‌روم. درویش هر کجا که شب آید سرای او است. اما این‌بار می‌خواهم با مطالعه و بررسی بیشتر تیم جدیدم را انتخاب کنم. اهل تعارف و بازارگرمی هم نیستم اما سال بعد قطعاً انتخاب مطمئن‌تری خواهم داشت.»

تاوارس حرف نمی‌زند

درباره سپاهان شایعه و حرف و حدیث زیاد است. عده‌ای می‌گویند تاوارس با دلایل موجه از جمله روابط عمومی ضعیف، دو سه مورد درگیری با ستاره‌های تیم و البته نتایج نه‌چندان قابل قبول آخر فصل از اصفهان می‌رود و جایش را به یک مربی احتمالاً ایرانی می‌دهد. در مقابل این گروه برخی دیگر نیز عقیده دارند همه چیز به نتایج تیم در جام حذفی بستگی دارد و شاید با نتیجه‌گیری خوب در آنجا همه چیز به نفع تاوارس رقم بخورد. یکی از نزدیکان باشگاه می‌گوید: «تاوارس کار خاصی برای سپاهان نکرده. او مایه‌ای ندارد و غیر از این با آقایی، بنگر، خطیبی، بزیک، کریمی و عقیلی هم مشکل دارد. به همین دلیل کار عاقلانه این است که او آخر فصل رفتنی شود.» آخرین نمونه از حاشیه‌های تاوارس تعویض محرم نویدکیا است که پس از بازی خوب جلوی فجر و دو گلی که زده بود، از زمین بیرون می‌رود و این درحالی است که دور و بری‌های تیم می‌گویند او حتی حرف کمک مربی خودش را هم درباره سیستم بازی و تعویض‌ها قبول ندارد. یک نکته جالب دیگر درباره تاوارس هم اینکه رجیو هموطن برزیلی او هنگامی که تاوارس با بهانه قرار دادن فوت پسرخوانده‌اش به برزیل رفته بود، دو هفته از تمرینات دور بود و می‌گفت که به شدت مصدوم شده. اما بعد از بازگشت تاوارس رجیو نیز بلافاصله به تمرینات برگشت. بازیکنی که از قرار معلوم در تمرینات کاملاً با تاوارس هماهنگ است و شاید تنها کسی باشد که به بداخلاقی‌های سرمربی عادت دارد. تاوارس که غالباً در کنفرانس مطبوعاتی بعد از بازی‌ها نیز زیاد به چشم نمی‌خورد و اگر جلوی خبرنگاران قرار بگیرد حرف زیادی نمی‌زند، این روزها اصلاً در دسترس نیست. به‌نظر می‌رسد سکوت تاوارس توصیه باشگاه به او در این روزهای سرنوشت‌ساز باشد. اینکه تاوارس ماندنی است یا نه؟

جلالی: از پاس پیشنهاد داشتم

مجید جلالی یک فصل کاملاً برزخی را پشت سر گذاشته. اخراج از صباباتری بعد از اتفاقات اوایل فصل و حالا پایان داستان قندی در لیگ به‌رغم همه امیدهایی که بعد از آمدن جلالی به یزد زنده شده بود.

■■■

■ چه خبر آقای جلالی؟

خبر جدیدی نیست. کارم با قندی همین هفته تمام می‌شود.

■ خب، در یزد می‌مانید یا نه؟

نه. دیگر اینجا نمی‌مانم.

■ پیشنهاد جدیدی دارید؟

نه، پیشنهاد خاصی ندارم. اما اگر هم پیشنهاد داشته باشم از این به بعد بیشتر دقت می‌کنم.

■ از آمدن به یزد پشیمان هستید؟

خب، من با این تحلیل به یزد آمدم که می‌توانم قندی را در لیگ برتر حفظ کنم و نیتم هم این بود که به فوتبال این شهر کمک کنم. اما بیشتر روی توانایی خودم حساب کرده بودم و اصلاً به امکانات و توانایی بازیکنان توجهی نداشتم.

■ پس چرا پیشنهاد آنها را قبول کردید؟

گفتم که تحلیلم این بود که آنها در لیگ می‌مانند. من همان موقع از پاس و راه‌آهن هم پیشنهاد داشتم، اما قندی را انتخاب کردم.

■ از پاس؟!

بله. من چهار ساعت و نیم با مدیرعامل پاس صحبت کردم. آنها مرا می‌خواستند، اما به یزد آمدم.

■ مجید جلالی به خودش به خاطر این فصل چه نمره‌ای می‌دهد؟

نمره‌ای نمی‌دهم، چون کاری نکردم. من سال را با صباباتری شروع کردم و دو تا جام آوردم و آخرش هم نتوانستم قندی را در لیگ نگه دارم.

■ این وسط جلالی چقدر مقصر بود؟

الان که شکل بازی‌ها را بررسی می‌کنم، متوجه می‌شوم که می‌توانستیم بمانیم. اما شما نگاه کنید تیم را آدم دیگری بسته بود. از ۳۰ بازیکنی که الان در تیم هستند، فقط چهار نفرشان می‌توانستند در قندی باشند و بقیه‌شان باید بین تیم‌های دیگر تقسیم می‌شدند.

نیکولیچ: شخصاً ایمان را دوست دارم

چهار سال قبل که رفت بالای سرتیم‌های پایه باشگاه فولاد شاید فکر نمی‌کرد که روزی سرمربی سرخ‌های اهواز در لیگ برتر باشد، اما قضا و قدر را نمی‌شود ندیده گرفت. فرانچیچ رفت و نناد از طرف مدیریت باشگاه ماموریت جدیدی گرفت: «سرمربی موقت.» قهرمان فصل قبل در فاصله یک هفته به پایان لیگ در رتبه هفتم ایستاده و این یعنی شش پله سقوط.

■■■

■آقای نیکولیچ، فکر می‌کنم این ۲ و ۳ ماه خیلی با چهار سالی که در فولاد بودید فرق داشت، نه؟

بله، تفاوت فاحشی وجود داشت. من چهار سال با بازیکنان نوجوان و جوان کار کردم آن هم به صورت انفرادی و تک به تک وقت داشتم که استعدادهای جدیدی کشف کنم. اما در این ۳ ماه اوضاع خیلی فرق داشت.

■فکر می‌کنید در فولاد می‌مانید یا نه؟

قاعدتاً باید در این مورد مدیران باشگاه تصمیم بگیرند. من بدون حکم رسمی سرمربیگری تیم را تحویل گرفتم و فقط به قصد کمک به باشگاه سرمربی شدم. اما قطعاً تا زمانی که با فولاد قرارداد داشته باشم هر جایی که لازم باشد فعالیت خواهم کرد.

■اگر مربی فولاد باقی بمانید، چه قدر در تیم تغییرات می‌دهید؟

قبل از هر چیزی سعی می‌کنیم به بازیکنان خودی تکیه کنیم. فولاد کارخانه بازیکن‌سازی است و همین حالا هم ۷۰، ۸۰ درصد تیم از تیم‌های پایه خودمان درست شده، با این حال اگر در پستی احساس نیاز کنیم بازیکن جدید خواهیم گرفت. البته به شرطی که حداقل ۶۰ درصد بهتر از بازیکن خودمان باشد. شخصاً دوست دارم که به بازیکنان جوان‌تر میدان دهم.

■ایمان مبعلی. دوست دارید او به تیم برگردد؟

قطعاً حضور ایمان در فولاد مطلوب همه است. من شخصاً او را خیلی دوست دارم اما با این حال خود ایمان در این مورد تصمیم می‌گیرد. شاید پیشنهاد بهتری نسبت به فولاد به او شود.

کربکندی، شاید از اصفهان رفتم

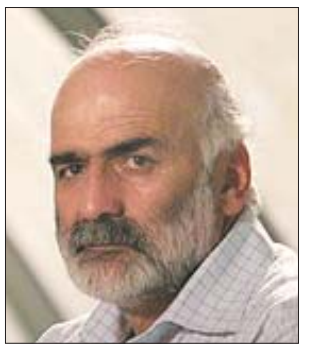

ذوب‌آهن مثل اوایل فصل که با بردهای پشت‌سر هم به صدر جدول چسبیده بود، این روزها خوب نتیجه می‌گیرد. بردن پاس با سه گل و نود دقیقه فوق‌العاده جلوی استقلال، در حالی افت میانه فصل آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که کربکندی به‌رغم کسب احتمالی عنوان بهترین تیم شهرستانی، بیشتر از همیشه تحت فشار بوده. آیا او بعد از چند فصل قابل قبول با ذوب‌آهن از اصفهان می‌رود؟

■■■

■ از ذوب‌آهن امسال راضی بودید؟

در مجموع بله. این تیم برای قهرمانی بسته نشده بود و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی باشگاه اصلاً در جهت قهرمانی نبود.

■ اما تیم شما همیشه اول فصل خوب نتیجه می‌گیرد.

بله، ما دو سال است که اول فصل می‌آییم و چهار پنج برد می‌آوریم. همین هم باعث می‌شود که توقعات بالا رود و فشار روی ما زیاد شود.

■ دلیل افت مقطعی ذوب‌آهن چیست؟ مشکل بازیکن دارید؟

ما امسال بازیکن آسیب‌دیده زیاد داشتیم و همین هم باعث شد که خیلی لطمه بخوریم.

■ اما الان که خوب نتیجه می‌گیرید.

دلیلش این است که بازیکنان جایگزین کم‌کم خودشان را پیدا می‌کنند و با تیم هماهنگ می‌شوند.

■ از قرار معلوم امسال، فصل خیلی سختی برای کربکندی بود؟

واقعاً خیلی فشار تحمل کردم. حاشیه‌های دور و بر تیم ما زیاد بود و بعضی‌ها حسابی ذوب‌آهن را اذیت کردند.

■ با توجه به تغییرات احتمالی در مدیریت ذوب‌آهن، در این تیم ماندنی هستید؟

هنوز تصمیمی نگرفته‌ام. ذوب‌آهن یک ماه قبل از من برنامه خواست، اما من تا الان برنامه‌ای به باشگاه نداده‌ام.

■ اگر خارج از اصفهان پیشنهاد داشتید چی؟

من هیچ وقت دوست نداشتم از اصفهان خارج شوم. اما با توجه به اتفاقات این فصل، این بار عجولانه تصمیم نمی‌گیرم.

زلاتکو: شیراز انتخاب اول من

برقی‌ها از خیلی وقت پیش تکلیفشان را با زلاتکو مشخص کرده‌اند. اخراج محترمانه برادر بزرگتر برانکو که فقط به خاطر مصالح باشگاه و عدم ورود تیم به بحران در شیراز ماندنی شده است. اما پس از یک فصل کج‌دار و مریز که هم از حوصله مدیران باشگاه خارج بود و هم طرفداران را ناراضی به خانه می‌فرستاد، بهترین خبر برکناری زلاتکو است. با این وجود قبل از بالا و پایین‌های احتمالی زلاتکو باید اول منتظر وضعیت مدیریت باشگاه باشد که با روی کار آمدن مدیریت جدید برق منطقه‌ای فارس، شاید با تغییرات در استراتژی کلی مواجه شود.

■■■

■مثل اینکه شما را نمی‌خواهند؟!

من در جریان نیستم. کسی چیزی به من نگفته.

■اما جو غالب در شیراز بر علیه شما است.

خب، اگر اینجوری باشد، نمی‌مانم. من که زوری نمی‌توانم اینجا بمانم.

■کی مشخص می‌شود؟

بعد از بازی با استقلال می‌نشینیم و مذاکره می‌کنیم. اگر خواستند، در خدمت هستم.

■از این فصل راضی بودید؟

برای من تجربه خوبی بود. تیم من خوب بازی کرد ولی در نتیجه‌گیری مشکل داشتیم.

■فقط همین؟!

من که اینطوری فکر می‌کنم. بچه‌های ما زیاد فرصت گل داشتند، اما همیشه وقتی بدشانس بودیم به بحران نتیجه می‌خوردیم.

■دوست دارید در شیراز بمانید؟

من شیراز را خیلی دوست دارم. شهر فوق‌العاده خوبی است. به همین دلیل انتخاب اول من قطعاً شیراز است.

■و اگر شما را نخواستند؟

خب هنوز که فصل تمام نشده.

■پیشنهادی داشتید؟

من الان فقط مربی برق هستم. فصل که تمام شد آن وقت تصمیم می‌گیریم.

فروتن: هنوز که سقوط نکرده‌ایم

شموشک هنوز به ماندن امیدوار است. آنها به واسطه پرونده بازی با صباباتری که به‌رغم رای فدراسیون همچنان مفتوح است، چشم‌انتظار روز آخر هستند. گرفتن سه امتیاز از مسابقه خارج از خانه با راه‌آهن و البته صاف شدن طلب سه امتیازی از فدراسیون. اگر این اتفاق بیفتد، آن‌وقت با باخت محتمل برق شیراز در جدال با استقلال، شموشک فصل بعد هم در لیگ برتر است. فروتن می‌گوید: «بازیکنان سرشان بالا است و قلبشان هنوز در لیگ برتر می‌تپد. ما سه امتیاز طلب داریم که اگر بگیریم مطمئن باشید در لیگ می‌مانیم.» با این وجود شموشک در هفته‌ای که گذشت به طور رسمی به دسته اول سقوط کرد و خیال برق شیراز را برای فصل آینده راحت کرد. مگر اینکه آن‌طور که بهمن فروتن می‌گوید سه امتیاز مسابقه شموشک- صباباتری به آنها کمک کند.

اما اگر شموشک رفتنی شد، چی؟ «برنامه من این است که در فوتبال ایران بمانم. چون احساس می‌کنم که در این فوتبال مفید هستم و به همین دلیل آنجایی که مفید باشم، حتماً می‌مانم.»

فروتن بیشتر توضیح می‌دهد: «من دنبال باشگاهی هستم که آینده‌نگر باشد، حالا فرقی نمی‌کند دسته یک باشگاه‌های تهران باشد، جام آزادگان و یا لیگ برتر. من دوست دارم جایی باشم که آینده داشته باشد و شرایطش هم مشخص باشد.» و سئوال آخر اینکه آیا این فصل برای بهمن فروتن راضی‌کننده بوده یا نه؟ «کار بسیار قشنگی بود. یکی از بهترین کارهای من در طول سی سال مربیگری. من در نوشهر ساختار درست کردم و واقعاً موفق بودم. شموشک برای من یک کار عادی و روزانه نبود و لذت فوق‌العاده‌ای داشت.

تابانی: ادامه فیروز کریمی

جانشین فیروز کریمی که حتی در بدترین روزهای راه‌آهن، سوژه درجه یکی بود، یک مربی صددرصد غیرچهره بود. بهروز تابانی که به غیر از سابقه کاری حدوداً سی ساله در راه‌آهن که کارمند رسمی آنجا هم هست، هیچ‌وقت در کانون توجهات نبود. و حتی برای دوروبری‌های فوتبال هم آدم جدیدی است. «من سی‌وچهارسال هست که در راه‌آهن هستم. البته در یکی دو تیم دیگر هم مربیگری کرده‌ام، اما نزدیک دوازده سال در تیم‌های پایه و بزرگسالان راه‌آهن مربیگری کرده‌ام.»

تابانی البته به‌رغم بقای راه‌آهن در لیگ که در چهار مسابقه‌ای که او روی نیمکتش نشسته، هفت امتیاز گرفته، قطعاً فصل بعد جایش را به یک مربی بزرگ‌تر خواهد داد. «من دوست دارم در خدمت راه‌آهن باشم و الان فقط به این فکر می‌کنم که ماموریتم را تمام کنم. البته من کار آقای کریمی را تکمیل کردم.» اولین حضور در لیگ برتر البته حسابی به بهروز تابانی مزه کرده. «بعد از این همه کار کردن، خودم فکر می‌کنم به درد لیگ برتر می‌خورم. البته لیگ برتر واقعاً خیلی سخت است و جو وحشتناکی دارد، اما من شغلم همین است.» مربی موقت راه‌آهن درباره کیفیت بازی‌های تیمش هم می‌گوید: «کسانی که بازی ما را دیده‌اند، می‌بینند که واقعاً راه‌آهن روی برنامه و نظم بازی می‌کند. ما سایپا و سپاهان را بردیم و جلوی پرسپولیس هم نمایش خوبی ارائه کردیم.» و بالاخره سرنوشت نیمکت راه‌آهن و البته خود تابانی. «همه‌چیز به سیاست باشگاه بستگی دارد، این فصل بسیار سنگین بود. ولی آنها باید نظر بدهند که من بمانم یا نمانم. من از کار خودم راضی‌ام. هفته بعد می‌توانید خبر قطعی را بگیرید.»

متن حاشیه

حادثه منتظر ذوب

ذوب‌آهن که با نمایش درخشان در چند هفته پایانی، به خصوص در دو مسابقه مقابل استقلال و پاس برای خود آبروی دوباره‌ای دست و پا کرده با مشکل عجیبی روبه‌رو است. دیروز خبر رسید که قرارداد ۱۴ بازیکن این تیم در پایان این فصل به پایان می‌رسد. بازیکنانی که اکثریت آنها جزء ستارگان این فصل هستند؛ چهره‌هایی مثل مهدی رجب‌زاده، سپهر حیدری، مصطفی صالحی‌نژاد، حمید عزیززاده و... که جدایی احتمالی آنها می‌تواند خبر بدی برای کادر فنی و مدیران ذوب‌آهن باشد. این اتفاق در شرایطی است که مشخص نیست چگونه مدیران ذوب‌آهن با وجود شرایط مناسب و با توجه به پشتگرمی کارخانه ذوب موفق به تمدید قرارداد با ستارگان خود نشده‌اند. از جمع ذوبی‌های امسال، اشجاری و مهرنگ که هر دو سابقه عضویت در ملوان را دارند، قرارداد دو ساله دارند و امسال فقط در صورت پرداخت پول رضایتنامه می‌توانند اصفهان را ترک کنند.

نفرین به هواپیما

در حالی که در فهرست جدید خطوط هواپیمایی پرخطر، اعلام شده توسط اتحادیه اروپا، نامی از خطوط هوایی ایران نیست، می‌توانید با یک تماس کوتاه با بازیکنان استقلال، مثلاً فرزاد مجیدی، از آنها درباره ایمنی خطوط هوایی ایران نظرخواهی کنید. فرزاد که در هنگام بازگشت از اصفهان به دلیل تکان‌های شدید هواپیما از ترس قالب تهی کرده بود، قصد دارد مثل دنیس برگ‌کمپ از خیر پرواز با هواپیما بگذرد. به هر حال این راه‌حل بهتری است از نفرین کردن مخترع هواپیمایی که بیم آن می‌رفت آبی‌ها را در فاصله یک هفته مانده به قهرمانی زبانمان لال...!

گوش کنید، رضا عنایتی...

حدود یک ماه دیگر که صبر کنید با یک اتفاق ویژه در عالم موسیقی و فوتبال روبه‌رو خواهید شد. قرار است بعد از مهرداد میناوند، نیما نکیسا و پژمان جمشیدی چشم‌مان به کاست آواز رضا عنایتی هم روشن شود. آقا رضا بعد از به دست آوردن عنوان آقای گل لیگ قصد دارد صدایش را هم به هواداران هدیه کند. جالب است که پیشنهاد ارائه کاست از سوی همبازی و زوج او در خط حمله استقلال یعنی سیاوش اکبرپور بوده است. سیاوش همه برنامه‌های مربوط به ضبط، تبلیغات و کلیپ را هم هدایت کرده تا نشان بدهد که چقدر با عنایتی جور است. منتظر کاست رضا عنایتی باشید با نام «خیانت».

بیچاره دیوار

خیل خبرنگاران اعزامی به جام جهانی هنوز موفق به دریافت ویزا و باقی قضایا نشده‌اند و سعی دارند هر طور شده اسپانسری برای پر کردن قسمتی از هزینه‌های خود بیابند. روز دوشنبه تعدادی از گروه ۸۰ نفره خبرنگاران دور هم جمع شدند تا آخرین وضعیت خود را بررسی کنند. جالب است که درگیر و دار انتخاب تور مناسب برای سفر، یکی از عکاسان که از فهرست نهایی جا مانده بود با داد و بیداد خواهان بازپس گرفتن حقش بود. عکاس گرامی که در بسیاری از سفرهای تیم ملی همراه بازیکنان بوده، مدعی بود که هر طور شده باید در جام جهانی هم حضور داشته باشد وگرنه در روز اعزام به فرودگاه می‌آید و کله‌اش را به دیوار می‌کوبد. در شرایطی که دیگر فرصتی برای دریافت ای‌دی کارت نیست به احتمال بسیار زیاد از دیدن تصاویر این عکاس که پای ثابت مصاحبه‌های بعد از بازی ـ روبه دوربین ـ است محروم خواهید شد.

کاست جام جهانی

در حالی که خبرهای حاشیه‌ای اطراف ترانه تیم ملی در جام جهانی فعلاً به نفع علیرضا عصار به پایان رسیده است، باخبر شدیم شبکه تازه‌تاسیس ایران میوزیک قصد دارد تهیه‌کنندگی یک کاست با محوریت جام جهانی با حضور خوانندگان شناخته شده پاپ ایران را بر عهده بگیرد. بعد از تجربه یکی دو ترانه موفق چندصدایی، احتمالاً آهنگی مشترک با صدای چند خواننده نیز در این کاست گنجانده خواهد شد.

تعطیلی رسانه‌های کشتی!

سال جدید برای ورزش ملی کشور با تعطیلی دو رسانه مرتبط با این رشته ورزشی آغاز شد. کارگاه رسانه‌ای کشتی و روزنامه «روز ورزش» فعالیتی در روزهای آغازین امسال نداشته‌اند. روز ورزش در سرمقاله‌ای مشکلات مالی را دلیل تعطیلی‌اش عنوان کرده بود اما گفته می‌شود که احتمالاً از اردیبهشت باز هم منتشر خواهد شد. اما کارگاه رسانه‌ای کشتی که زیر نظر امیرشاهرخ سلامیان اداره می‌شد مشکلی درخصوص مسائل مالی ندارد. با توجه به شکرآب شدن روابط موسسه «سلام» با فدراسیون کشتی، بعید است که این باشگاه در فصل جدید لیگ برتر اقدام به تیم‌داری کند. دلیل تعطیلی سایت موفق و پرمخاطب کارگاه رسانه‌ای نیز جز این نمی‌تواند باشد.

نیش خداداد

یاغی همیشه یاغی است، حتی اگر قرار باشد به تیم ملی دعوت شود. با اینکه چندین بار شنیده شده که نام خداداد عزیزی در فهرست ۵۰ نفره بازیکنان جام جهانی قید شده و بعضی‌ها گفته‌اند که حتماً او را به جام جهانی خواهند فرستاد با این حال او باز هم از تیم ملی انتقاد می‌کند. خداداد در بازی مقابل پرسپولیس بد نبود البته خودش را چندان راضی نشان نمی‌دهد. «تمام بازی را با درد پشت‌سر گذاشتم. درد کمر امانم را بریده است. با این شرایط اصرار ندارم که به تیم ملی دعوت شوم اما حرف‌هایم را باید بزنم.» بعد هم یک راست می‌رود سراغ خط دفاع و دروازه‌بان تیم ملی. «دوست دارم تیم ملی موفق شود اما خط دفاع و دروازه‌بان واقعاً در شرایط خوبی نیستند. سال ۹۸ که خط دفاع نقطه قوت ما بود نتوانستیم صعود کنیم، راستش این بار نمی‌دانم چه می‌شود. باید انتقادپذیر باشیم. ما مشکل دروازه‌بانی داریم و میرزاپور هم باید این موضوع را بپذیرد.»